

به نام خدا

ستاره سورئال در کهکشان سایکولوژی

مؤلف :

ثریا همتی پور

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: همتی پور، ثریا، ۱۳۴۷
عنوان و نام پدیدآور: ستاره سورتال در کهکشان سایکولوژی / مولف ثریا همتی پور.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۳۶۹ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۹۸۱-۶-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: سورنالیسم
رده بندی کنگره: Q۳۸۳
رده بندی دیویی: ۰۱۰/۴
شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۲۷۸۰۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: ستاره سورتال در کهکشان سایکولوژی
مولف: ثریا همتی پور
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زیر جلد
قیمت: ۳۶۹۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۹۸۱-۶-۶
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



به نام عشق، به نام تو

دختران زیبای من،
شما قصه‌های زیبایی هستید که از ستاره‌ها به زمین آمدید.
هر صفحه‌ی وجودتان، شعری است که از عشق سروده شده
و هر رنگ‌ها، آینه‌ی تمام‌نمای مهر بانی و پاک‌یست.
شما ستارگان درخشان آسمان زندگی‌ام هستید
و من، هر شب به نورِ بودنِ شما راه می‌برم.

این کتاب، هدیه‌ی کوچک است از دنیای بزرگ
که در قلم برایتان ساختم.
امیدوارم هر بار که آن را ورق می‌زنید،
صدای قلم را بشنوید که برایتان می‌تپد
و عشقم را احساس کنید که همیشه و همه‌جا همراهتان است.

شما قصه‌های منید،
قصه‌ی عشق، قصه‌ی زندگی.
همیشه دوستان دارم.

فهرست

چکیده :	۹
فصل اول : مقدمه :	۱۱
معرفی و تاریخچه مکتب سوررئال:	۱۳
پیدایش این هنر و تکامل این جنبش:	۱۷
شخصیت و نمایندگان اصلی این جنبش	۲۰
زندگینامه آندره برتون و جنبش سوررئال	۲۰
سالوادور دالی	۲۴
رنه ماگریت	۲۴
ماکس ارنست	۲۴
پل الوار	۲۵
لوئیس آراگون	۲۵
تریستان تزارا	۲۵
آرتور رمبو	۲۵
استفان ملامارمه	۲۵
رنه شار:	۲۶
فروغی (ParanoiacCritical Method)	۲۸
تصاویر متناقض (Contradictory Images)	۲۸
کولاج (Collage)	۲۸
آینه کاری و بازتاب (Mirroring and Reflection)	۲۹
تأثیرات فرهنگی و تاریخی (Cultural and Historical Influences)	۲۹
پیشنهادات بصری و توهمی (Visual Illusions and Suggestions)	۲۹

۲۹	ترکیب سبک‌های مختلف (Combining Different Styles)
۲۹	استفاده از رنگ‌های غیرمعمول (Unusual Color Use)
۲۹	موضوعات منحصر به فرد و شخصی (Unique and Personal Themes)
۳۰	مقدمه به سورئالیسم و روانکاوی
۳۷	تعریف و تاثیر سورئال بر فرآیندهای روانی و ذهنی
۴۲	مقایسه این هنر با روشهای روانکاوی سنتی و مدرن
۵۰	بررسی دیدگاههای مختلف و نظریات جدید
۵۶	بحث درباره ابعاد فلسفی، اجتماعی سیاسی
۶۰	بررسی نظریه های فلسفی و روانشناسی
۷۱	بررسی نظریه هایی مشهور روانشناسی
۹۰	نظریه های معاصر
۱۰۶	دیدگاههای نوین
۱۱۷	روشهای نوین
۱۲۱	فصل دوم : مبانی فلسفی و هنری سورئالیسم
۱۲۲	تاثیر فرهنگ و جامعه در شکل گیری سورئالیسم
۱۲۵	مفاهیم کلیدی، مانند خواب، بی وقفه، جهان آگاهی
۱۲۶	دیدگاه یونگی و کهن‌الگوها
۱۲۷	چرخه‌های خواب
۱۲۸	اهمیت چرخه‌های خواب
۱۲۹	بی وقفه
۱۳۰	اثرات منفی فشار روانی مداوم شامل:
۱۳۱	جهان ناگهانی
۱۳۴	ارتباط میان سورئالیسم و روانشناسی

۱۳۵ نظریات روانکاوی فروید
۱۴۱ سورئالیسم بعنوان یک انقلاب فرهنگی
۱۴۱ ویژگی‌های سورئالیسم:
۱۴۷ تأثیرات سورئالیسم به عنوان یک انقلاب فرهنگی:
۱۵۶ تاثیر سورئالیسم در سایر هنرها مانند ادبیات و سینما
۱۶۷ نقد و بررسی اعتراضات و پذیرش جامعه نسبت به جنبش سورئالیستی
۱۷۲ اهمیت ارتباط هنر در روانشناسی در طول تاریخ
۱۸۱ فصل سوم: روش‌ها و تکنیک‌ها در سورئالیسم
۲۱۰ استفاده از تصاویر ناگهانی و خیالی
۲۱۶ آزادسازی ذهن و عدم وابستگی به منطق معمول
۲۲۳ نقش هنر در تسهیل برداشت و تعبیر خواب
۲۲۷ بررسی نقش تصاویر و خیالات سورئالیستی در تسهیل فرآیند
۲۳۶ تعبیر خواب و دسترسی به ناخودآگاه
۲۴۲ تأثیرات روانشناختی و عواطف اثرات هنر در سورئالیسم
۲۴۴ بررسی اثرات تصاویر سورئالیستی بر احساسات و رفتارهای روان بیماران
۲۵۳ بررسی ارتباط میان سورئالیسم و روانشناسی
۲۵۶ تأثیرات سورئالیسم بر ابعاد ناخودآگاه ذهن
۲۶۰ تحلیل روانشناختی اثرات واکنش‌های شناختی به آثار سورئالیسم
۲۶۳ پژوهش‌های نوین در ارتباط با سورئالیسم و روانشناسی
۲۶۷ پژوهش‌های اخیر در زمینه تأثیرات هنر بر روانشناسی افراد
 نقد و بررسی و روش‌های پژوهشی مورد استفاده در بررسی تأثیرات سورئالیسم بر رفتار و احساسات فردی
۲۷۰
۲۷۵ فصل چهارم: مقدمه‌ای بر نظریه ناخودآگاه

۲۷۸	معرفی مفهوم ناخودآگاه به وسیله فروید:
۲۸۰	ساختار سه‌گانه شخصیت: اید، ایگو و سوپرایگو
۲۸۱	تعریف ضمیرناهشیار و تمایز آن از ضمیرناشی از روان‌م‌اشینی:
۲۸۳	ساختار ضمیرناهشیار:
۲۸۴	نظریه ساختاری ذهن
۲۸۴	نهاد (Id)
۲۸۴	خود (Ego)
۲۸۴	فراخود (Superego)
۲۸۴	مکانیزم‌های دفاعی در ضمیرناهشیار
۲۸۵	سرکوب (Repression)
۲۸۵	فرافکنی (Projection)
۲۸۵	جابجایی (Displacement)
۲۸۵	توجیه عقلانی (Rationalization)
۲۸۵	تأثیر ضمیرناهشیار بر رفتار
۲۸۵	لغزش‌های زبانی (Freudian Slips)
۲۸۶	تحلیل رویا (Dream Analysis)
۲۸۶	ساختار لایه‌ای ضمیرناهشیار
۲۸۶	لایه سطحی (Surface Layer)
۲۸۶	لایه عمیق‌تر (Deeper Layer)
۲۸۶	لایه بنیادی (Core Layer)
۲۸۷	دیدگاه فروید در مورد ناخودآگاه:
۲۹۱	راهکارهای روانک‌وی برای دسترسی به ناخودآگاه:
۲۹۴	برای ارزش و تأثیر این روش‌ها بر عملکرد درمانی:

- تأثیر بر عملکرد درمانی: ۲۹۵
- انرژی ناخودآگاه ولیبدو: ۲۹۶
- تبیین نظریه لیبدو نقش آن در فعالیتهای ناخودآگاه: ۲۹۷
- بررسی ایده های فروید در باره نقش جنسیتی و ادغام انرژی ناخودآگاه: ۳۰۰
- پدیدارسازی ناخودآگاه در رفتارهای روزمره: ۳۰۲
- بررسی تاثیر انگیزه های ناخودآگاه بر تصمیم گیریها و رفتار انسان: ۳۰۹

فصل پنجم: تحقیقات روانکاوی در زمینه ناخودآگاه و ارتباط آن با تئوری های

- روانشناسی: ۳۱۵**
- تحلیل خواب در روانکاوی: ۳۱۶
- تعریف تعبیر خواب و اهمیت آن در روانشناسی فروید: ۳۱۸
- معرفی روش تعبیر خواب به وسیله فروید و تفاوت آن با دیگر روشها: ۳۲۰
- نظریه های فروید در باره خواب و ناخودآگاه: ۳۲۳
- توضیح نظریه فروید در باره خواب به عنوان پنجره ای به ناخودآگاه: ۳۲۵
- بررسی اهمیت تعبیر خواب در آشکارسازی ناخودآگاه و تصویرسازی کردن آن: ۳۲۶
- مفهوم تداعی آزاد: ۳۲۸
- تعریف و شرح مفهوم تداعی آزاد در روانکاوی: ۳۲۹
- روشهای استفاده از تداعی آزاد برای دستیابی به محتویات ناخودآگاه: ۳۳۰
- تکنیکهای تعبیر خواب فروید: ۳۳۲
- تشریح روشها فروید برای تعبیر خواب از جمله تمرکز بر علائم و جزئیات خواب: ۳۳۴
- مطالعه موردیها و مثالهایی از تعبیر خواب با استفاده از روش فروید: ۳۳۶
- خواب در مورد مرگ یک عزیز: ۳۳۷
- مقایسه روش تعبیر خواب فروید با روشهای دیگر در روانکاوی و علوم روانشناسی معاصر: ۳۳۸
- بررسی تاثیرات تعبیر خواب فروید در نظریه ها و تکنیکهای روانشناسی امروزی: ۳۴۱

- پیشنهادات برای کاربردهای علمی و پژوهشهای آن در حوزه تحلیل خواب و ناخودآگاه : ۳۴۲
- تحلیلی برهنرسورئالیسم و روان درمانی : ۳۴۴
- اهمیت هنر سورئال در برگرداندن عناصر ناخودآگاه به سطح آگاهی : ۳۴۵
- ارتباط بین هنرسورئالیسم و رواندرمانی و نقش آن در درمان اختلالات روانی : ۳۴۷
- استفاده از تصاویر سورئالیستی در درمان:..... ۳۴۸
- توضیح در مورد نحوه استفاده از تصاویر نقاشی سورئالیستی به عنوان ابزار درمانی: ۳۵۰
- افزایش خلاقیت و ابراز احساسات ۳۵۲
- مطالعه موردیها و نمونه هایی از اثربخشی این روش در بهبودی وضعیت روان بیماران: ... ۳۵۳
- فرآیند درمان ۳۵۵
- ارزیابی اثرات روانشناختی این فعالیتها برافزایش آگاهی از خواب و درمان اختلالات : ۳۵۶
- نتیجه گیری : ۳۵۷
- منابع : ۳۶۱

چکیده :

سورئالیسم (یا فراواقع گرایی) و روانشناسی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، چرا که هر دو به کشف و بررسی ابعاد ناخودآگاه ذهن انسان علاقه مند هستند. سورئالیسم به شدت تحت تأثیر نظریات زیگموند فروید درباره ناخودآگاه و رویاها قرار دارد. فروید معتقد بود که رویاها و خیال پردازی‌ها نمایانگر تمایلات و خواسته‌های سرکوب شده انسان هستند. سورئالیست‌ها نیز به دنبال به تصویر کشیدن این عناصر ناخودآگاه از طریق هنر بودند (بزرگ‌نیا، م. ۱۴۰۱). سورئالیست‌ها از تکنیک‌های خاصی مانند "نوشتار خودکار" (Automatic Writing) و "نقاشی خودکار" برای دسترسی به افکار و احساسات ناخودآگاه استفاده می‌کردند. این تکنیک‌ها شباهت زیادی به روش‌های روانکاوی دارند که هدفشان آزادسازی افکار و احساسات سرکوب شده است (طباطبایی، ع. ۱۳۹۹). هر دو حوزه به بررسی موضوعاتی مانند رویاها، فانتزی‌ها، اختلالات روانی و تجربیات فراواقعی علاقه مند هستند. سورئالیست‌ها از این موضوعات برای ایجاد آثاری استفاده می‌کردند که مرزهای واقعیت و خیال را به چالش می‌کشید.

هنر سورئال با کاوش در ابعاد ناخودآگاه، ابزار جدیدی برای روانشناسان فراهم آورد تا بتوانند بهتر به درک ذهن انسان بپردازند. در عین حال، نظریات روانشناسی نیز الهام‌بخش هنرمندان سورئال بودند تا عمیق‌تر به تحلیل و به تصویر کشیدن ذهن بپردازند.

در مجموع، سورئالیسم و روانشناسی به دلیل تمرکز مشترک بر کشف و بیان ناخودآگاه و غیرعادیات ذهن، تأثیر متقابلی بر یکدیگر داشته‌اند و هر دو به غنی‌سازی درک ما از ذهن انسان کمک کرده‌اند. سورئالیسم و روانشناسی هر دو به شیوه‌های مختلف به کشف ضمیر ناخودآگاه می‌پردازند. این روش شامل نوشتن بدون توقف و بدون فکر کردن آگاهانه به کلمات است. هدف از این تکنیک این است که ذهن خودآگاه را دور بزنییم و اجازه دهیم افکار و احساسات ناخودآگاه به روی کاغذ بیایند (نوابی‌نژاد، ش. ۱۳۸۵).

مانند نوشتار خودکار، نقاشی خودکار نیز شامل خلق هنر بدون برنامه‌ریزی قبلی یا کنترل آگاهانه است. هنرمندان با این روش سعی می‌کنند تا تصاویری که از ناخودآگاهشان سرچشمه می‌گیرد را به تصویر بکشند.

سورئالیست‌ها به شدت به تحلیل و تصویرسازی رویاها علاقه مند بودند. آنها باور داشتند که رویاها دروازه‌ای به ناخودآگاه هستند و تلاش می‌کردند تا از تصاویر و احساسات رویاهایشان در آثار هنری خود استفاده کنند (رضایی، م. ۱۳۹۸).

ترکیب اشیاء و تصاویر غیرمنتظره و نامتعارف در آثار هنری، یکی دیگر از روش‌های سورئالیست‌ها برای دسترسی به ناخودآگاه بود. این تکنیک باعث ایجاد حس تعجب و بررسی بیشتر در بیننده می‌شد و به کشف لایه‌های پنهان ذهن کمک می‌کرد.

زیگموند فروید و کارل یونگ، دو تن از روانشناسان برجسته، به تحلیل رویاها به عنوان راهی برای دسترسی به ناخودآگاه پرداختند. فروید معتقد بود که رویاها بیانگر خواسته‌ها و تمایلات

سرکوب شده هستند، در حالی که یونگ باور داشت که رویاها حاوی نمادهای جمعی و فردی از ناخودآگاه جمعی هستند. (طباطبایی، ع. ۱۳۹۹)

در این روش، مراجع به طور آزادانه و بدون سانسور هر آنچه که به ذهنش می‌رسد را بیان می‌کند. روانکاو از این تکنیک برای کشف افکار و احساسات ناخودآگاه استفاده می‌کند. در فرآیند روانکاوی، مراجع احساسات و تجربیات گذشته خود را به روانکاو انتقال می‌دهد. تحلیل این انتقالات می‌تواند به فهم عمیق‌تری از ناخودآگاه و الگوهای رفتاری مراجع منجر شود (نوابی‌نژاد، ش. ۱۳۸۵).

روانشناسان از تحلیل نمادها و فانتزی‌های مراجع برای کشف لایه‌های پنهان ذهن و ناخودآگاه استفاده می‌کنند. این روش‌ها می‌توانند به فهم بهتر از تمایلات، ترس‌ها و خواسته‌های سرکوب شده کمک کنند.

هر دو مکتب سورئالیسم و روانشناسی، با استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های مختلف، به کشف و بیان ناخودآگاه می‌پردازند. در حالی که سورئالیسم بیشتر به خلق هنر و بیان تصویری ناخودآگاه متمرکز است، روانشناسی با تحلیل و تفسیر علمی و بالینی به بررسی ناخودآگاه می‌پردازد. این دو حوزه با وجود تفاوت‌هایشان، یک هدف مشترک دارند: فهم بهتر از ذهن و روان انسان. مکتب نقاشی سورئال (سورئالیسم) و علم روانشناسی به ویژه روانکاوی، ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. سورئالیسم به عنوان یک حرکت هنری در اوایل قرن بیستم ظهور کرد و به شدت تحت تأثیر نظریات روانکاوی زیگموند فروید قرار گرفت. این حرکت هنری به جستجوی ضمیر ناخودآگاه و بازنمایی آن از طریق هنر پرداخت. (بزرگ‌نیا، م. ۱۴۰۱). فروید معتقد بود که بسیاری از افکار، احساسات و تمایلات انسانی در ضمیر ناخودآگاه قرار دارند و به ندرت به سطح خودآگاه می‌آیند. سورئالیست‌ها تلاش کردند تا این افکار و احساسات ناخودآگاه را به تصویر بکشند. تکنیک‌هایی مانند تداعی آزاد، تحلیل رویا و روش‌های مشابه برای دسترسی به ناخودآگاه، الهام‌بخش سورئالیست‌ها در خلق آثار هنری شدند. یکی از تکنیک‌های محبوب در سورئالیسم بود که هنرمند بدون کنترل آگاهانه قلم خود را حرکت می‌داد، تا ضمیر ناخودآگاه به صورت مستقیم در اثر هنری نمایان شود. سورئالیست‌ها با استفاده از ترکیب‌های غیرمنتظره و غریب تلاش کردند تا فضایی رؤیایی و غیرواقعی خلق کنند که به ضمیر ناخودآگاه شباهت داشت.

بسیاری از آثار سورئالیستی تحت تأثیر رویاها و کابوس‌ها بودند، که فروید آن‌ها را به عنوان مسیرهایی به سوی ضمیر ناخودآگاه می‌دید. سورئالیست‌ها از نمادهای پیچیده و چندلایه استفاده می‌کردند که می‌توانستند به تفسیرهای مختلفی از دیدگاه روانکاوی منجر شوند. سورئالیسم و روانشناسی، همان‌طور که سورئالیسم از روانکاوی بهره برد، پیشرفت‌های هنری سورئالیسم نیز به روانشناسی کمک کرد تا به شیوه‌های جدیدی برای درک ضمیر ناخودآگاه دست یابد. برخی روانشناسان از آثار سورئالیستی برای تحلیل بیماران و دسترسی به ضمیر ناخودآگاه آن‌ها استفاده کردند. (طباطبایی، ع. ۱۳۹۹)

به طور کلی، سورئالیسم و روانشناسی یکدیگر را تقویت کردند و به عنوان دو حوزه‌ای که هر یک به نوعی به کاوش در ضمیر ناخودآگاه می‌پرداختند، تأثیرات متقابلی بر هم داشتند. سورئالیست‌ها با استفاده از روش‌ها و نظریات روانکاوی توانستند به عمق ذهن انسان نفوذ کنند و آثار هنری خلق کنند که نشان‌دهنده پیچیدگی‌های ضمیر ناخودآگاه بودند.

فصل اول :

مقدمه :

هنر نقاشی، یکی از قدیمی‌ترین و برجسته‌ترین شکل‌های بیان هنری، با تاریخچه‌ای طولانی و پرفراز و نشیب، دارای مکاتب و جنبش‌های مختلفی است که هر یک با ویژگی‌ها و اصول خاص خود، سهمی در تکامل این هنر داشته‌اند. مکاتب هنری نقاشی به تدریج و در پاسخ به تغییرات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فناوری پدید آمده‌اند. در این مقدمه، نگاهی گذرا به برخی از مهم‌ترین مکاتب هنری نقاشی خواهیم داشت. آثار نقاشی از دوران باستان نشان‌دهنده تلاش انسان برای بیان افکار و احساسات خود است. نقاشی‌های غارهای آلتامیرا و لاسکو در اسپانیا و فرانسه، از قدیمی‌ترین نمونه‌های نقاشی به حساب می‌آیند. این نقاشی‌ها بیشتر با موضوعات شکار و حیوانات انجام شده‌اند. در این دوره، هنر نقاشی با تأکید بر واقع‌گرایی و تناسبات انسانی رشد کرد. هنرمندان یونانی و رومی به تصویر کشیدن فیگورها و صحنه‌های روزمره با دقت و جزئیات علاقه‌مند بودند. این دوره آغازگر مکاتب هنری بود که بعدها با رنسانس به اوج خود رسید. در این دوره، هنر نقاشی بیشتر تحت تأثیر مذهب و کلیسا قرار داشت. هنر بیزانسی با ویژگی‌های خاص خود مانند استفاده از رنگ‌های طلایی و تزیینات دقیق، و نقاشی‌های گوتیک با تصاویر مقدس و شیشه‌های رنگی، از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوران هستند. رنسانس به معنای "تولد دوباره" دوره‌ای بود که در آن هنر نقاشی به سمت واقع‌گرایی بیشتر و توجه به انسان و طبیعت حرکت کرد. هنرمندانی چون لئوناردو داوینچی، میکل‌آنژ و رافائل با تکنیک‌های پیشرفته‌ای مانند پرسپکتیو، نور و سایه، و آناتومی، نقاشی را به سطحی جدید ارتقا دادند. (طباطبایی، ع. ۱۳۹۹)

باروک با تأکید بر حرکت، کنتراست شدید و احساسات قوی شناخته می‌شود. نقاشانی چون کاراواجیو و روبنز از پیشگامان این سبک بودند. در ادامه، سبک روکوکو با ویژگی‌های زینتی، ظرافت و رنگ‌های روشن، بیشتر در نقاشی‌های درباری و صحنه‌های روزمره به کار رفت. نئوکلاسیک با بازگشت به اصول کلاسیک و تأکید بر سادگی و هماهنگی به وجود آمد. در مقابل، رمانتیسم با تأکید بر احساسات و تخیل، نقاشی‌هایی با موضوعات طبیعت و ماجراهای تاریخی خلق کرد. نقاشانی مانند ژاک لوئی داوید و یوجین دلاکروا از نمایندگان این دوره هستند. (نوابی‌نژاد، ش. ۱۳۸۵)

امپرسیونیسم با تمرکز بر تأثیرات نور و رنگ و نقاشی در فضای باز شناخته می‌شود. نقاشانی چون مونه و رنوار با ضربات سریع قلم‌مو و رنگ‌های زنده این سبک را معرفی کردند. پست‌امپرسیونیسم با هنرمندانی مانند ون گوگ و گوگن، به دنبال گسترش و تغییر اصول امپرسیونیسم بود. (بزرگ‌نیا، م. ۱۴۰۱). در قرن بیستم، مکاتب متعددی نظیر فوویسم، کوبیسم، اکسپرسیونیسم، سوررئالیسم و آبستره به وجود آمدند که هر یک با دیدگاه‌ها و تکنیک‌های خاص خود، هنر نقاشی را به سمت نوآوری‌های بیشتر سوق دادند. پیکاسو و دالی از چهره‌های برجسته این دوران هستند. این مقدمه به اختصار، مسیر تحول و تنوع مکاتب هنری نقاشی را نشان می‌دهد. هر یک

از این مکاتب با نوآوری‌ها و دستاوردهای خود، سهمی ارزشمند در تاریخ هنر نقاشی داشته‌اند و باعث غنای این هنر بی‌نظیر شده‌اند. (شاملو، س. ۱۳۸۲)

مکتب نقاشی سورئال، یا سوررئالیسم، یکی از برجسته‌ترین حرکت‌های هنری قرن بیستم است که در اوایل دهه ۱۹۲۰ میلادی در اروپا شکل گرفت. این مکتب تحت تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پس از جنگ جهانی اول به وجود آمد و به شدت با جنبش‌های دادا و اکسپرسیونیسم پیوند داشت. سوررئالیسم به رهبری آندره برتون، نویسنده و نظریه‌پرداز فرانسوی، آغاز شد که در سال ۱۹۲۴ با انتشار "بیانیه سوررئالیسم" رسماً این جنبش را معرفی کرد. بیانیه سوررئالیسم (Surrealist Manifesto) در سال ۱۹۲۴ توسط آندره برتون، نویسنده و نظریه‌پرداز فرانسوی، منتشر شد. این بیانیه نقطه شروع رسمی جنبش سوررئالیسم را نشان می‌دهد و اصول و اهداف این حرکت هنری و ادبی را تشریح می‌کند. سوررئالیسم به عنوان یک واکنش به شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پس از جنگ جهانی اول شکل گرفت و به شدت تحت تأثیر نظریات روانکاوی زیگموند فروید بود.

سوررئالیست‌ها معتقد بودند که منطق و عقلانیت محدودیت‌هایی برای خلاقیت انسان ایجاد می‌کند. آن‌ها به دنبال رهایی از این محدودیت‌ها بودند تا بتوانند به اعماق ضمیر ناخودآگاه دست یابند. در بیانیه، برتون بر اهمیت رویاها و تخیلات تأکید می‌کند. او معتقد بود که رویاها دریچه‌ای به ضمیر ناخودآگاه هستند و می‌توانند به ما کمک کنند تا به افکار و احساسات پنهان دست یابیم.

سوررئالیست‌ها از تکنیک‌های روانکاوی مانند تداعی آزاد و تحلیل رویا برای دسترسی به ضمیر ناخودآگاه استفاده می‌کردند. آن‌ها تلاش می‌کردند تا این تکنیک‌ها را در هنر خود به کار ببرند. سوررئالیسم به دنبال ترکیب عناصر متضاد و ناهماهنگ بود. این رویکرد به خلق تصاویر و ترکیب‌های غریب و غیرمنتظره منجر شد که مخاطب را به تفکر و تأمل وامی‌داشت. یکی از تکنیک‌های برجسته سوررئالیسم، نقاشی یا نوشتن خودکار بود. در این تکنیک، هنرمند بدون کنترل آگاهانه قلم یا قلم‌مو را حرکت می‌داد تا افکار و احساسات ناخودآگاه به طور مستقیم بر روی کاغذ یا بوم ظاهر شوند. بیانیه سوررئالیسم تأثیرات گسترده‌ای بر هنر و ادبیات قرن بیستم داشت. این جنبش نه تنها در نقاشی و مجسمه‌سازی، بلکه در ادبیات، سینما و تئاتر نیز تأثیرگذار بود. هنرمندان و نویسندگان برجسته‌ای مانند سالوادور دالی، رنه ماگریت، ماکس ارنست، خوان میرو، و لوئیس بونوئل به توسعه و گسترش اصول سوررئالیسم کمک کردند. بیانیه سوررئالیسم به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد نظری قرن بیستم، به بررسی رابطه میان هنر و ضمیر ناخودآگاه پرداخت و راه را برای بسیاری از حرکت‌های هنری و ادبی بعدی هموار کرد. این بیانیه همچنان به عنوان منبع الهام برای هنرمندان و نویسندگان در سراسر جهان باقی مانده است. سوررئالیست‌ها به دنبال فرار از منطق و واقعیت روزمره بودند و تلاش می‌کردند تا از طریق هنر به دنیای ناخودآگاه، رویاها و تخیلات دست یابند. آن‌ها از تکنیک‌های مختلفی مانند نقاشی خودکار، ترکیب‌های غریب و ناآشنا، و نمادگرایی استفاده می‌کردند تا به بیان افکار و احساسات عمیق و پیچیده انسانی بپردازند. هنرمندان برجسته‌ای مانند سالوادور دالی، رنه ماگریت، ماکس ارنست و خوان میرو از جمله چهره‌های شاخص این جنبش بودند که هر یک به شیوه‌ای منحصر به فرد به

توسعه و گسترش سورئالیسم کمک کردند (طباطبایی، ع. ۱۳۹۹). علم روانشناسی به مطالعه ذهن و رفتار انسان می‌پردازد و ریشه‌های آن به فلسفه و پزشکی بازمی‌گردد. اولین تلاش‌ها برای درک ذهن انسان به فیلسوفان یونان باستان مانند افلاطون و ارسطو برمی‌گردد که به مباحث مربوط به روح، ذهن و شناخت پرداختند. با این حال، روانشناسی به عنوان یک علم مستقل در اواخر قرن نوزدهم میلادی شکل گرفت (نوابی‌نژاد، ش. ۱۳۸۵).

ویلهلم وونت، دانشمند آلمانی، به عنوان پدر روانشناسی تجربی شناخته می‌شود. او در سال ۱۸۷۹ اولین آزمایشگاه روانشناسی را در دانشگاه لایپزیگ تأسیس کرد و با استفاده از روش‌های علمی به مطالعه فرآیندهای ذهنی پرداخت. در همین زمان، ویلیام جیمز در آمریکا به توسعه روانشناسی کارکردگرا کمک کرد و آثار او تأثیر عمیقی بر روانشناسی مدرن داشت.

در اوایل قرن بیستم، زیگموند فروید، پزشک اتریشی، با معرفی نظریه روانکاوی، نگرش جدیدی به روانشناسی ارائه داد. او به مطالعه ضمیر ناخودآگاه، رویاها و تأثیرات آن‌ها بر رفتار انسان پرداخت و مفاهیمی مانند اید، ایگو و سوپرایگو را مطرح کرد. کارل یونگ، یکی از شاگردان فروید، نیز با توسعه نظریات خود در مورد روانشناسی تحلیلی به تعمیم این حوزه کمک کرد.

در طول قرن بیستم، روانشناسی به شاخه‌های مختلفی مانند رفتارگرایی، روانشناسی شناختی، و روانشناسی انسانی تقسیم شد و با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک به مطالعه دقیق‌تر و جامع‌تری از ذهن و رفتار انسان دست یافت. امروز، روانشناسی به عنوان یک علم چندرشته‌ای و بین‌المللی به بررسی جنبه‌های مختلف زندگی انسان از جمله سلامت روان، آموزش، کار و تعاملات اجتماعی می‌پردازد. (کاظمی، ع. و حیدری، ن. ۱۳۹۵).

معرفی و تاریخچه مکتب سوررئال:

مکتب سوررئال در اوایل قرن بیستم و پس از جنگ جهانی اول، در اروپا پدید آمد. این جنبش هنری و ادبی با هدف کشف و نمایش دنیای ناخودآگاه و رویاها شکل گرفت. آندره برتون، شاعر و نویسنده فرانسوی، به عنوان بنیان‌گذار این مکتب، در بیانیه‌های سوررئالیستی خود، بر اهمیت تخیل و رهایی از قید و بندهای منطقی و اجتماعی تأکید داشت (بزرگ‌نیا، م. ۱۴۰۱).

نقاشان سوررئال، همچون سالوادور دالی، رنه ماگريت، و ماکس ارنست، با استفاده از تکنیک‌هایی مانند اتوماتیسم و ترکیب‌های غیرمعمول، تصاویری خلق کردند که واقعیت و رویا را در هم می‌آمیزد. این آثار اغلب شامل عناصر عجیب و متناقض، مناظر خواب‌گونه و تصاویر غیرواقعی بودند که تماشاگر را به دنیایی متفاوت و پر از رمز و راز می‌بردند.

سوررئالیسم تأثیر عمیقی بر هنر و فرهنگ قرن بیستم داشت. این مکتب نه تنها در نقاشی، بلکه در ادبیات، تئاتر و سینما نیز نفوذ کرد. تأکید سوررئالیست‌ها بر خلاقیت آزاد و کاوش در دنیای درونی انسان، به تحولات گسترده‌ای در هنر مدرن و پسامدرن منجر شد و راه را برای جنبش‌های هنری بعدی هموار کرد. (نوابی‌نژاد، ش. ۱۳۸۵).